

بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه

علی مرادی^۱

بهمن سعیدی پور^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۹

چکیده

هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه است. روش مورد استفاده، توصیفی تحلیلی با استفاده از تکنیک پیمایشی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته است. جامعه آماری استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه هستند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تعداد کل آن‌ها برابر ۲۵۸ نفر می‌باشند. با توجه به این که تعداد جامعه آماری محدود بود لذا کل آن‌ها به‌عنوان موارد مطالعه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از روش ارزیابی اعتبار صوری و سازه‌ای مبتنی بر تحلیل عاملی استفاده گردید. برای تعیین پایایی گویه‌های هر متغیر از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS21 و Amos21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوتر غیرمعنادار CMIN برابر با ۲۱۱/۱۴۳، شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده یا RMSEA برابر ۰/۰۷۵، شاخص RMR یا ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها، برابر ۰/۰۹۸، نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی CMIN/DF در مدل برابر ۳/۱۹۹، شاخص برازش تطبیقی CFI برابر ۰/۹۲۶ و در نهایت شاخص برازش شده تطبیقی مقتصد PCFI برابر ۰/۶۷۱ می‌باشند. شاخص‌های تطبیقی و مقتصد محاسبه شده برای ارزیابی کلیت مدل نشان می‌دهند که می‌توان در مجموع، داده‌های گردآوری شده را حمایت‌کننده مدل نظری تدوین شده تلقی کرد.

واژگان کلیدی: اقتدار اجتماعی، محرومیت نسبی، استادان، دانشگاه پیام نور.

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران. (نویسنده مسئول).
moradi.pop@gmail.com

۲- دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور، ایران.

مقدمه

یکی از مسائل مهم که در دنیای پسا صنعتی در سازمان‌ها و به‌طور خاص در دانشگاه‌ها در حال روی دادن است، نگاه تک‌بعدی و عموماً تجاری به دانشگاه است. این نوع نگاه باعث تغییرات اساسی در ارتباطات بین‌گروهی در دانشگاه‌ها شده است، تا حدی که از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به یک مسأله اجتماعی رسیده است. با پیشرفت شتابان علوم و فناوری در قرن اخیر، نیاز به استادان مخلص، متعهد و متخصص که پاسخ‌گوی نیاز نسل جوان باشد، کاملاً آشکار است. با توجه به این نیاز، ضرورت مدیریت استاد و جایگاه آن حائز اهمیت است. استادان موظفند از روش‌ها و فنون مدیریت علمی، تدریس فعال و پویا، برنامه‌ریزی صحیح، سازماندهی، رهبری و کنترل کلاس آگاه باشند زیرا که هر روز و هر ساعت شیوه‌های نوینی در مباحث آموزشی مربوط به کلاس‌های درس مطرح می‌شود. بنابراین استادان با کسب توانایی‌های لازم به‌منظور برنامه‌ریزی صحیح کلاس درس و حل مشکلات جوانان نقش به‌سزایی در جامعه‌ی سالم دارند زیرا که جامعه‌ی سالم در گرو تعلیم و تربیت و نظام آموزشی سالم است. سپردن امر تعلیم و تربیت به دست استادان غیرمتخصص، سلامت نظام تعلیم و تربیت را به مخاطره می‌اندازد. استاد باید علم و روش و مهارت خود را با حرکت نسل امروز هماهنگ کند و طوری دانشجوی خود را تعلیم دهد که با اضطراب‌های نظیر بحران هویت، اشتغال، تهاجم فرهنگی و . . . توان مبارزه داشته باشند و روحیه‌ی خودباوری و درک مثبت از خویشتن در وجود آنان تقویت شود.

یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی مطالعه اقتدار^۱ در گروه‌ها و اجتماعات انسانی است. بنا به تعبیر گیدنز^۲ اقتدار قدرت مشروعی است که شخص یا گروهی بر شخص یا گروه دیگر دارد. اقتدار برعکس قدرت به این بستگی دارد که زیردستان بپذیرند که مافوق‌های آن‌ها حق دارند امر و نهی یا رهبری کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۹۸۶). استادان افرادی هستند که در انتقال دانش و ارزش‌های اجتماعی و همچنین اجتماعی کردن دانشجویان نقش به‌سزایی دارند. به‌نظر می‌رسد امروزه استادان و مربیان دانشگاهی به مثابه گذشته دارای اقتدار نمی‌باشند و یا تا حدی این قدرت مشروع برای اکثر آن‌ها رنگ باخته است. در عصر حاضر تأکید نظام آموزش عالی بر انتقال دانش نیست و نقش دانشگاه با گذشته بسیار تفاوت پیدا کرده و به‌جای پرداختن به مواد درسی به کل انسان می‌پردازد و به تمام ابعاد زندگی او توجه می‌کند. استادان در نظام جدید آموزش عالی انتقال‌دهنده اطلاعات صرف نیستند، بلکه در مقام یاور در بالندگی انسان، ایفای نقش می‌کنند اما از طرفی با دانشجوی پرسشگر، خردگرا، فعال و منتقد روبرو هستند نه شنونده‌ای منفعل و پذیرا. امروزه، با دسترسی فراگیرندگان به اینترنت و گذرگاه‌های گوناگون کسب اطلاعات و بالطبع تأثیرپذیری از فرهنگ جهانی و غیربومی، اقتدار علمی استادان رفته‌رفته رنگ می‌بازد (افروز، ۱۳۷۶: ۲۴). از همین رو است که نظام آموزش عالی ناگزیر است کارکردهای نوی را

1- Authority

2- Giddens

متناسب با روح زمانه برای خویش برگزینند. گزینش و دستیابی به کارکردهای نو مستلزم نگاهی نو به نظام آموزش عالی است. نگرشی نو در ابعاد و محورهای گوناگونی چون تعاریف، اصول، اهداف، ساختار، محتوا، مدیریت و منابع انسانی در کشور ما نیز تغییرات برآمده از تحولات عصر کنونی نیز خود نیازها و انتظارات جدیدی را از آموزش عالی شکل می‌دهد.

و بر^۱ در راستای قدرت و اقتدار در جامعه مدل سه‌مرحله‌ای ارائه دادند و بر این باورند که شخصیت‌های اجتماعی در جامعه دارای یکی از این نوع اقتدار می‌باشند.

اقتدار فرهمند: مبتنی است بر اعتقاد و سرسپردگی به یک شخص خارق‌العاده که به‌خاطر واجد بودن صفات نمونه و مورد اعتماد و اطمینان بودن، به رهبری رسیده است.

اقتدار سنتی: اقتدار سنتی بر این باور و اعتقاد استوار است که مقام و پایگاه کسانی که در گذشته اعمال سلطه و اقتدار کرده‌اند و رسوم و سنن و ارزش‌های مربوط به آن، مستلزم احترام است.

اقتدار عقلانی- قانونی: بر قوانین و مقررات عقلانی که برای نظم اجتماعی وضع می‌شوند، استوار است. در سلطه قانونی، اطاعت از شخص یا مقام و منصب موروثی در میان نیست، بلکه اصل، متابعت از قانون است. قوانین مشخص می‌کنند که از چه کسانی و تا چه اندازه باید اطاعت کرد. در جامعه‌های جدید، روابط سلطه و اقتدار بر قانون و عقلانیت مبتنی است.

پژوهش و مطالعه پیرامون اقتدار استادان در عرصه‌های علم و تدریس از چند جهت اهمیت دارد: نخست، به دلیل آنکه اساساً دانشگاه، خود یک نهاد فرهنگی و فرهنگ‌ساز است و در این راستا نقش استاد خیلی مؤثر می‌باشد. دوم، این که مطالعه پدیده‌های فرهنگی متضمن بحث‌های روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و فلسفی است که ریشه در تلقی ما از ماهیت علم و دانش دارد؛ اینها، همگی حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دانشگاه از یک سو و پیچیدگی مضاعف مطالعه آن از سوی دیگر است.

از طرفی استادان یکی از ارکان اصلی دستیابی به توسعه در جامعه هستند. لذا مطالعه جایگاه آن‌ها می‌تواند مسیر توسعه و فرهنگ جامعه را در آینده درست طراحی کنند. در نهایت با توجه به اینکه یکی از عوامل و کارگزاران اجتماعی شدن در محیط‌های آموزشی استادان دانشگاه می‌باشند، اگر وجهه و جایگاه آن‌ها از طرف دانشجویان به خطر بیفتد، این فراگرد اجتماعی شدن به‌صورتی ضعیف انجام می‌گیرد و نهایتاً خروجی آن افرادی بی‌قید و مسؤولیت برای جامعه خواهد بود.

از آن‌جا که در این زمینه مطالعات زیادی به‌صورت تجربی صورت نگرفته است، بنابراین مطالعاتی که غیرمستقیم با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از جمله تحقیقی که توسط جاکوبسون و همکاران (۱۹۸۵) بر روی معلمان تربیت بدنی صورت گرفته است، عوامل مؤثر در اثربخشی معلمان تربیت بدنی مدارس مورد ملاحظه قرار گرفته است و نتیجه چنین بوده که یک سری عوامل نظیر تخصص حرف‌های، میزان تحصیلات، تجربه و برنامه‌ریزی‌های سیستماتیک معلمان در اجرای کار

1- Max Weber

تدریس از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر میزان اثربخشی معلمان تربیت بدنی مدارس بوده است (Jacobson, 1985: 120-127). هم چنین براساس پژوهش دوپل (۱۹۸۶) برخی از استادان اداره‌ی کلاس را پیش‌نیاز آموزش می‌دانند به این معنی که باید موانع را از سر راه برداشت تا تدریس بهتر انجام‌گیرد. عده‌ای دیگر از استادان معتقدند که انضباط باید وجود داشته باشد تا تدریس صورت گیرد (Doyle, 1986: 1151-1161).

در راستای موضوع پژوهش می‌توان به دیدگاه‌های نظری که تا حدی تبیین‌کننده مسأله پژوهش می‌باشند، اشاره کرد. از جمله این دیدگاه‌ها، نظریه ساخت‌گرایی است. طبق مکتب اصالت ساخت هرگاه یکی از عناصر ساخت تغییر کند، بقیه عناصر ساخت به تبع آن تغییر می‌کند و الگو به تغییرات احتمالی واکنش نشان می‌دهد. از این رو، به منظور حرکت مؤثر در جهت توسعه و محقق ساختن اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش، باید مدیران متخصص و عمل‌گرا بر اساس ضابطه و شایستگی انتخاب شوند و در رأس امور قرار گیرند و بر این باور تأکید شود که مدیریت و هدایت صحیح و عالمانه همراه با جلب مشارکت و تلاش همگانی کلید توسعه آموزش و پرورش است و توسعه آموزش و پرورش به نوبه خود زیر بنای توسعه همه‌جانبه کشور است. براساس نظریه ساخت‌گرایی می‌توان گفت، تغییر الگوی اقتدار در میان اساتید منجر به تغییرات دیگری در نظام آموزشی می‌شود که روابط استاد - دانشجو، کیفیت و کمیت الگوی تدریس و همچنین ارتباطات بین آن‌ها از جمله این تغییرات است.

نظریه رفتارگرایی: سلسله مراتب نیازهای مازلو، چهارچوبی برای تفکر در مورد انگیزش‌های دانشجویان ارائه می‌کند. اما استادان هم‌چنان به ابزارهای خاصی برای برانگیختن دانشجویان نیاز دارند، یعنی شیوه‌های که به افزایش، کاهش و اصلاح رفتارهای دانشجویان در طول تدریس روزانه منجر می‌شود. به علاوه، رفتارگرایان بر نتایج تقویت و رفتار منجر به یادگیری و موفقیت تحصیلی تأکید دارند، بنابراین، استادان می‌توانند در این مورد دانشجویان را هدایت کنند (کدیور، ۱۳۸۷: ۲۰۴). می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه رفتارگرایی نقش استاد در هدایت یادگیری خیلی مهم است. از آن‌جا که استادان به‌عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، کارکرد تأثیرگذاری و حفظ الگو را در نظام آموزشی از دست بدهد، روند جامعه‌پذیری دانشجویان می‌تواند از سایر عوامل محیطی تأثیر پذیرد که این مورد می‌تواند فرایند درونی کردن ارزش‌ها را برای آن‌ها با مشکل مواجهه سازد.

نظریه تطابق: بر اساس این نظریه، حضور در دانشگاه و محیط‌های آموزشی، فراگیر را نسبت به ضروریات اقتصادی و اجتماعی نظام سرمایه‌داری مطیع و گوش به فرمان می‌سازد. پس شیوه تولید و شخصیت انسان‌ها در محیط‌های آموزشی شکل می‌گیرد (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۷۲). طبق این نظریه نمی‌توان دانشگاه و محیط‌های آموزشی را به‌عنوان نهادی مجزا از شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود تحلیل کرد. براساس این نظریه، شرایط ساختاری جامعه به تبع تغییرات اجتماعی اقتصادی دچار تغییر شده و بستر ارتباطات بین استاد و دانشجو را تحت تأثیر گذاشته است.

نظریه کارکردگرایی: بر اساس نظریه‌ی کارکردگرایی یک کل مرکب از اجزایی است که آن را به وجود می‌آورند و در بقای آن سهیم‌اند اگر چه هم اجزاء و هم کل ممکن است دچار تغییر و دگرگونی شوند. به این ترتیب کارکردگرایی می‌کوشد تا ماهیت در هم بافته‌ی یک نظام اجتماعی را در کلیت آن درک نماید (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۳۹). فرض اصلی این نظریه این است که جامعه و نهادهای موجود در آن مثل آموزش و پرورش، اجزاء به هم پیوسته‌ای هستند که هر یک نقش مهم و ضروری در حفظ بقای کل جامعه ایفا می‌کنند (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۰). طبق دیدگاه کارکردگرایان یکی از کارکردهای اولیه دانشگاه‌ها، انتقال دانش و رفتارهای لازم برای حفظ نظم در جامعه است.

دورکیم معتقد بود که وجود نظم و انضباط و هم چنین مفهومی از اقتدار، برای تضمین قاعده‌مندی رفتار ضروری است. این انضباط اخلاقی فقط تا زمانی که معطوف به یک گروه یا جامعه خاص است، مناسب است. به اعتقاد او، ارزش‌های اخلاقی (که اساس و بنیان نظام اجتماعی‌اند) از طریق نهادهای آموزشی، تثبیت می‌شوند و بقاء و دوام می‌یابند. دورکیم در این مجموعه آثار، کلاس درس نقش واسطی بین زندگی عاطفی خانواده و زندگی جدی اجتماعی ایفا می‌کند زیرا مبتنی بر انضباط است (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴).

دورکیم معتقد به تلقین هیپنوتیزی است. یعنی آموزش باید تلقین هیپنوتیز باشد، زیرا طرفداران عدم تغییر و ادامه‌ی نظم می‌گویند: در تلقین هیپنوتیزی باید جامعه به فرد بدون چون و چرا تلقین شود. اهداف جمعی بر اهداف فردی برتری یابد. القاء آرمان‌های جمعی به فرد باید صورت گیرد. مربی باید اقتدار داشته باشد و این اقتدار دو جنبه‌ی اخلاقی دارد. هر قدر این مربی مقتدر باشد بهتر می‌تواند اهداف جامعه را در دانشجو نهادینه کند. او معتقد است یک موجود متعالی چیزی به نام جامعه است، پس اساس باید آموزش خلاقیت جامعه باشد. وجود جامعه بستگی به وجود همسانی و همگنی در میان افراد آن جامعه دارد. این همگنی و همسانی را آموزش به وجود می‌آورد که موجب بقای جامعه می‌شود. اگر اهداف فردی را توجه نماید، نمی‌تواند ویژگی‌های اجتماعی را نهادینه سازد. او معتقد است یک مربی آموزشی باید ویژگی‌های جامعه را مطالعه کند تا بتواند ویژگی‌های جامعه را در افراد نهادینه سازد. او معتقد است آموزش و پرورش پلی است برای اتصال فرد و جامعه. براساس دیدگاه نظری دورکیم هر قدر آموزش نقش خود را به درستی انجام دهد، آسیب‌های اجتماعی یا مشکلات اجتماعی را کاهش می‌دهد و ناهنجاری‌ها کاهش می‌یابد.

دارندورف و اقتدار: یکی از اندیشمندان که به بحث اقتدار پرداخته است دارندورف^۱ است. به نظر دارندورف اقتدار روابط اجتماعی عامی است که دارایی و مالکیت فقط یکی از انواع آن است. به عقیده او واژه روابط طبقاتی نه فقط تضاد بین گروه‌های اقتصادی، بلکه تمام شرایطی که در آن مبارزه بین

1- Darendorph

آن‌هایی که صاحب اقتدارند و آن‌هایی که از اعمال اقتدار محرومند را دربرمی‌گیرد. دارندورف برای تعریف اقتدار از وبر الهام می‌گیرد، اقتدار عبارت است از شانس و موقعیتی مبنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌شود. دارندورف منشأ ساختی تضادهای اجتماعی را در اقتدار می‌جوید نه قدرت. قدرت مربوط به نیروی بدنی شخص، استعداد و توانایی، نیروی معنوی وی یا همچنین با سمتی که دارد در ارتباط است، در صورتی که اقتدار منحصرأ با سمت یا نقشی که فرد در یک سازمان اجتماعی بر عهده دارد در ارتباط است. بنابراین در تمام جوامع انسانی اقتدار وجود دارد و یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار غیرقابل تصور است. در جامعه گروه‌هایی کم‌وبیش دارای اقتدار هستند و در مقابل اشخاص یا گروه‌هایی هم وجود دارند که تحت انقیاد و تسلط این اقتدار قرار دارند. از این رو ما در تمامی زمان‌ها، ساختارها و موقعیت‌ها شاهد دو گروه مخالف هستیم. نظریه‌پردازان کشمکش نیز مانند کارکردگرایان تمایل به بررسی ساختارها و نهادهای اجتماعی دارند.

اقتدار روابط اجتماعی عامی است که دارایی و مالکیت فقط یکی از انواع آن است. به عقیده دارندورف در جوامع امروزی هر گونه تعریف کامل از طبقه باید مفهوم اساس اقتدار را مدنظر قرار دهد. واژه روابط طبقاتی نه فقط تضاد بین گروه‌های اقتصادی، بلکه تمام شرایطی که در آن مبارزه بین آن‌هایی که صاحب اقتدارند و آن‌هایی که از اعمال اقتدار محرومند را دربرمی‌گیرد. بنابراین، دارندورف طبقه را به‌طور ضمنی گروه‌های تضاد اجتماعی تعریف می‌کند. طبقات را «شرکت در اعمال اقتدار یا محرومیت از آن» از یکدیگر متمایز می‌سازد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

دارندورف برای تعریف اقتدار از وبر الهام می‌گیرد، اقتدار عبارت است از شانس و موقعیتی مبنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌شود. دارندورف منشأ ساختی تضادهای اجتماعی را در اقتدار می‌جوید نه قدرت. قدرت مربوط به نیروی بدنی شخص، استعداد و توانایی، نیروی معنوی وی یا همچنین با سمتی که دارد در ارتباط است، در صورتی که اقتدار منحصرأ با سمت یا نقشی که فرد در یک سازمان اجتماعی بر عهده دارد در ارتباط است. بنابراین در تمام جوامع انسانی اقتدار وجود دارد و یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار غیرقابل تصور است. در جامعه گروه‌هایی کم‌وبیش دارای اقتدار هستند و در مقابل اشخاص یا گروه‌هایی هم وجود دارند که تحت انقیاد و تسلط این «اقتدار» قرار دارند. از این رو ما در تمامی زمان‌ها، ساختارها و موقعیت‌ها شاهد دو گروه مخالف هستیم. نظریه‌پردازان کشمکش نیز مانند کارکردگرایان تمایل به بررسی ساختارها و نهادهای اجتماعی دارند.

بحث وبر درباره روابط اقتدار - چرا برخی انسان‌ها مدعی اقتدار می‌شوند و احساس می‌کنند که حق مشروع دارند از دیگران بخواهند که به میل خودشان به فرمان آن‌ها تن در دهند - استفاده او را از نمونه آرمانی به‌عنوان ابزار تحلیلی و طبقه‌بندی انواع کنش‌های اجتماعی - که آن‌ها هم انواعی آرمانی هستند، روشن می‌سازد. وبر سه شیوهی اصلی ادعای مشروعیت را بر می‌شمرد. اقتدار می‌تواند بر زمینه‌های

معقول استوار باشد و ریشه در قواعد غیر شخصی‌ای داشته باشد که قانوناً تصویب شده یا با قرار داد استقرار یافته باشند. این نوع اقتدار را باید اقتدار قانونی - عقلانی به‌شمار آورد که شاخص روابط سلسله مراتبی جامعه نوین است. مانند انواع اقتدار اداری اما اقتدار سنتی که بر جوامع ما قبل جامعه نوین حاکم بوده است، بر اعتقاد به تقدیس سنت و «گذشته ازلی» استوار است. این آن اقتداری نیست که بر پایه قواعد غیر شخصی صورت قانونی به خود گرفته باشد، بلکه در اشخاص خاصی عین شده است که یا این اقتدار را به ارث می‌برند و یا آن را از یک مرجع اقتدار والاتر می‌گیرند. مانند اقتدار اشخاص خاص هم چون روحانیون، ورزشکاران و . . . سرانجام، اقتدار فرهنگدانه بر جاذبه‌های رهبرانی استوار است که به‌خاطر فضیلت خارق‌العاده اخلاقی و قهرمانی یا مذهبی‌شان، خواستار تبعیت افراد جامعه‌اند. مانند اقتدار برخی از رهبران بزرگ جوامع باید در نظر داشت که در اینجا نیز مانند جاهای دیگر، وبر نمونه‌های ناب را توصیف می‌کند. او به این نکته به‌خوبی آگاه بود که در واقعیت تجربی، آمیزه‌ای از انواع مشروعیت اقتدار را می‌توان یافت. برای مثال، گرچه چیرگی هیتلر تا اندازه زیادی بر فره او استوار بود، اما هنوز عناصری از اقتدار عقلانی - قانونی در ساختار قانونی آلمان باقی مانده بودند و ارجاع به سنت‌های خلقی آلمان نیز عنصر عمده‌ای را در جاذبه‌های ناسیونال سوسیالیسم تشکیل می‌داد.

وبر معتقد است که فعالیت اصلی دانشگاه، آموختن یک فرهنگ پایگاهی خاص است، چه در داخل کلاس و چه بیرون از آن. روابط قدرت و منافع متضاد افراد و گروهی در جامعه بر نظام‌های آموزشی اثر می‌گذارد، زیرا این هدف و سود گروه‌های مسلط در جامعه است که به دانشگاه شکل می‌بخشد. در واقع به اعتقاد وبر، در داخل دانشگاه، یک سری خودی هستند یعنی کسانی که فرهنگ پایگاهی آن‌ها در دانشگاه تقویت می‌شود ولی یک سری نیز غیر خودی وجود دارند یعنی کسانی که با موانع متعددی در دانشگاه مواجه‌اند (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۵۲).

مطالعه دانشگاه به‌عنوان سازمان، مدیون توجه وبر بر افزایش دیوانسالاری در جامعه پیشرفت است. فرایند رشد دیوانسالاری در جامعه، مربوط به چیزی است که وبر آن را اشکال در حال تغییر اقتدار مشروع یعنی: سنتی، کاریزماتیک و عقلانی می‌داند. در حالی که اقتدار سنتی مبتنی بر باور و به تقدس سنت و اقتدار کاریزماتیک متکی بر ویژگی‌های منحصر به فرد است، اقتدار عقلانی مبتنی بر قانونی بودن فرامین و حقوق افرادی است که در موقعیت صدور دستور و فرمان قرار دارند. وبر معتقد بود که اقتدار عقلانی ناشی از ساختار سازمانی خاصی است که او آن را دیوانسالاری می‌نامید (دیوانسالاری جدید به افراد واقع در موقعیت‌های قانونی، اختیار و قدرت می‌بخشد). (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۵۴).

اقتدار سنتی: که بر پایه باورهای ریشه‌دار بر سنت‌های دیرینه استوار است. دریافت ویژه جوامع دارای امتیازهای موروثی که استقرارشان آن‌چنان دیرینه سال است که جز در پرتو اسطوره‌ها و افسانه‌ها نه در پرتو واقعیات واسطه‌ی هستی درک شدنی نیست. علاوه بر اقتدار موروثی اعمالی چون

ممنوعیت‌های غذایی، در بین یهودیان و مسلمانان، همه از همین اقتدار سنتی نشأت می‌گیرند (سنت، ۱۳۷۸: ۲۹).

اقتدار قانونی و عقلانی: که مبتنی است بر باور مردمان به قانونیت قواعد و به حقی که دارندگان قدرت برای فردی مذهبی در پرتو آن قواعد از آن برخوردار هستند. این‌جا تأثیر اقتدار، بر حسب اصولی که می‌توانند مینا قرار گیرند و برای دارنده‌ی قدرت معتبر باشند، تابعی از موفقیت‌های رئیس یا سالار خواهد بود. اگر ساخت قدرت سنتی باشد، تنها پسران یک درک، هر قدر هم فاسد و بی‌اثر باشند، در وضعی قرار دارند که می‌توانند به نوبه‌ی خود از عنوان درک برخوردار گردند، اما اگر ساخت قدرت از نوع دستگاه قانونی و عقلانی باشد، برعکس، هرکس برای تصدی هر مقامی توانایی وارد و به شرط آنکه بتواند از عهده‌ی انجام وظایف مربوط به آن برآید (سنت، ۱۳۷۸: ۲۹).

اقتدار فرهنگ: اقتدار فرهنگ مبنی بر از خودگذشتگی یا ایثار خاص و حیرت‌انگیزی است که افراد پیر و یک نفر، به وجود تقدیس نیروی قهرمانی، یا کیفیات استثنایی وی نسبت به او و نظمی که او پدید آورده است از خود نشان می‌دهند، به عقیده‌ی وبر، حضرت عیسی و محمد (ص) نمونه‌های بارز این نوع اقتدار هستند.

بر مبنای مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های زیر مود آزمون قرار خواهند گرفت:

- بین میزان محرومیت نسبی و میزان اقتدار استادان دانشگاه پیام نور رابطه وجود دارد.
- رشته تحصیلی بر میزان اقتدار استادان دانشگاه پیام نور تأثیر دارد.
- بین میزان درآمد و میزان اقتدار استادان دانشگاه پیام نور رابطه وجود دارد.
- مدرک تحصیلی بر میزان اقتدار استادان دانشگاه پیام نور تأثیر دارد.

روش

روش پژوهش در این مطالعه برحسب هدف، کاربردی است. در این پژوهش، پژوهشگر بر نتایج متمرکز می‌شود، لذا روش پژوهش در این مطالعه از نوع کاربردی است. از نظر روش، در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی از نوع پیمایشی استفاده می‌شود. دلیل انتخاب این روش این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی و آن چه هست، می‌پردازد و از طرفی هم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید، لذا پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است. این پرسشنامه براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین تعریف عملیاتی متغیرها تدوین و طراحی گردید. جامعه آماری در این مطالعه کلیه استادان دانشگاه‌های پیام نور استان کرمانشاه می‌باشند. براساس گزارش‌های حاصل از آمار و اطلاعات دانشگاه، در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تعداد کل آن‌ها برابر ۲۵۸ نفر می‌باشند. از آن‌جا که جامعه آماری محدود بود لذا از تمام شماری استفاده گردید و کل جامعه

آماری مورد مطالعه قرار گرفت. از روش ارزیابی اعتبار صوری پژوهش و اعتبار سازه‌ای^۱ مبتنی بر تحلیل عاملی استفاده گردید. هر یک از متغیرهای پژوهش پس از تعریف نظری با مجموعه‌ای از ابعاد و معرف‌های مناسب مرتبط به هم بر حسب مورد و ضرورت در قالب مقیاس یک یا چندبعدی اندازه‌گیری شدند. برای تعیین پایایی گویه‌های هر متغیر از آلفای کرونباخ استفاده شد.

در این پژوهش، متغیر وابسته اقتدار استادان دانشگاه است.

الف) استادان دانشگاه: استادان دانشگاه افرادی هستند که حائز شرایط عمومی و اختصاصی بر اساس آئین‌نامه نحوه انتصاب مدیران و استخدام در آموزش عالی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند.

ب) اقتدار: اقتدار عبارت است از کوششی برای تعبیر و تفسیر قدرت، کوششی که می‌خواهد، از راه میان بر تعریف نیرو، برای شرایط سلطه و تأثیرگذاری معنایی قائل شود (سنت، ۱۳۷۸: ۲۵). از طرفی قدرت مشروعی است که شخص یا گروهی بر شخص یا گروه دیگر دارد. اقتدار برعکس قدرت به این بستگی دارد که زیردستان بپذیرند که مافوق‌های آن‌ها حق دارند امر و نهی یا رهبری کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۹۸۶). میزان اقتدار در این پژوهش با استفاده از ۱۶ گویه به شرح زیر در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

من مانند گذشته نمی‌توانم با دانشجویان برخورد تند داشته باشم. از دانشجویان انتظار ندارم در کلاس‌هایم بدون اجازه من بیرون بروند. فکر می‌کنم آن احترام و وجهه‌ای که استادان دانشگاه ۲۰ سال پیش نزد دانشجویان داشتند، امروز ما نداریم. من در کلاس درس می‌توانم دانشجویانم را با قواعد دانشگاه هماهنگ کنم ولو با تنبیه هم بوده. برخی دانشجویان در خارج از کلاس از کنار من رد می‌شوند بدون این که به من سلام دهند. من در کلاس به تدریس درس می‌پردازم و کاری به مشکلات دانشجویان ندارم. من فکر می‌کنم با گسترش رسانه‌ها و فناوری‌های جدید اقتدار علمی ما رفته‌رفته رنگ می‌بازد. در دانشگاه برخوردهای خشک و خشن با دانشجوی، را به رفتارهای ملایم ترجیح می‌دهم. قبلاً دانشجو استاد را مانند پدر خود نگاه می‌کرد اما امروزه نه. استاد در گذشته میان دانشجویان احترام و کرامت بیشتری از امروز داشت. بهتر است دانشجو همیشه مطیع استادش باشد. استاد حق دارد در تمام امور درسی دانشجو دخالت کند و تصمیمات عمده برایش بگیرد. در کلاس‌های من دانشجو حق ندارد بعد از من وارد کلاس شود. همیشه سعی دارم فاصله علمی ام را از دانشجویانم رعایت کنم. من همیشه با دانشجویانم مثل دوست برخورد می‌کنم. دانشجویانم با من خیلی راحت دست می‌دهند.

در این پژوهش نوع اقتدار در سه بعد اقتدار سنتی (با استفاده از ۵ گویه)، اقتدار کاریزمایی (با استفاده از ۴ گویه) و اقتدار عقلایی (با استفاده از ۵ گویه) به شرح زیر در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

دلیل اصلی مقبولیت من در میان دانشجویان، برخورد های عقلانی من با دانشجویانم است. به نظر من یک استاد موفق در این شهر کسی است که رفتارش با دانشجویان، مبتنی بر یک شیوه کاملاً سنتی باشد. خصلت‌های مردم‌انگیزی، مردم‌نمودی، جذبه ظاهری و بیانی یک استاد در دانشگاه رمز موفقیت او است. به نظر من شخصیت‌های فرهمند (خارق‌العاده) در دانشگاه‌های ما هنوز از احترام بیشتری برخوردارند. به نظر من دانشجویان در نگاه به استادان بیشتر به شهرت او توجه می‌کنند تا افکار و عقاید آن‌ها. ویژگی‌های شایسته‌سالاری، تخصص و کارایی استادان رمز موفقیت آن‌ها در دانشگاه است. در دنیای امروز سنت‌ها و ارزش‌های مذهبی نمی‌تواند یک نظام دانشگاهی را تغذیه کند بلکه این کار تخصص است. دلیل مقبولیت من در میان دانشجویانم، متکی بودن بر رفتارهای قانونی و عقلانی من است. سیستم دانشگاه پیام نور ما در جامعه ما از عقلانیت لازم برخوردار نیست. وجهه یک استاد در دانشگاه پیام نور در حال حاضر به وجهه خانوادگی و طبقه اقتصادی او برمی‌گردد. به نظر من نظام حاکم بر دانشگاه پیام نور ما، مبتنی بر یک شیوه کاملاً سنتی است. یک شخصیت بزرگ به عقیده من فردی متخصص، تحصیل کرده و روشنفکر است تا دارای وجهه ملی و مذهبی. احترام دانشجویان به من بیشتر به خاطر پایگاه اقتصادی و احترام اجتماعی‌ام است. در جامعه ما هنوز احترام یک استاد از پایگاه خانوادگی وی نشأت می‌گیرد نه از سواد و تفکر وی.

محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به‌عنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آن‌ها تعریف می‌شود. به‌عبارتی محرومیت نسبی به برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی تعریف می‌شود (گر، ۱۳۷۷: ۸۰). انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی می‌باشند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند و در صورت داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آن‌ها را به‌دست آورند و حفظ کنند. در این پژوهش احساس محرومیت نسبی با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای^۱ طیف ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل^۲ استفاده شده است. تحلیل عامل روشی مناسب در ساختن مقیاس برای رشته‌ای از متغیرهای فاصله‌ای می‌باشد. جدول شماره ۱ ماتریس همبستگی گویه‌های متغیر محرومیت نسبی در تحلیل عامل را نشان می‌دهد. سوالات زیر جهت معرفی Xهای جدول آمده‌اند. امکانات این کشور، در جهت آباد کردن محل زندگی ما به کار

1- Construct Validity

2- Factor Analysis

بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه

نمی‌رود (X1). من و سایر مردم و گروه‌های اجتماعی در رسیدن به موقعیت مالی، شرایط برابری داریم (X2) فکر می‌کنم وضع مالی من و خانواده‌ام روز به روز بدتر می‌شود (X3). وضعیت معیشتی ما کفاف یک زندگی آبرومند را نمی‌دهد (X4). بین آنچه هست و آنچه واقعاً باید باشد، فاصله بسیار زیاد است (X5). در این شرایط ما به آنچه دوست داریم، نمی‌رسیم (X6). انتظارات من در این جامعه برطرف نمی‌شود (X7). من واقعاً نمی‌دانم که چه کسی به فکر کشور و مردم و چه کسی به فکر مال و مقام خود است (X8).

داده‌های جدول بیانگر این واقعیت می‌باشند، که گویه‌های مربوط به این متغیر با هم دارای همبستگی معنادار می‌باشد و همه این گویه‌ها بر یک عامل قرار گرفته‌اند. در جدول زیر نیز گویه‌ها بر یک عامل قرار گرفته و دارای همبستگی مناسبی بوده به طوری که آزمون کیزر مایر و بارتلت نیز معنی‌دار می‌باشند. لذا نیازی به حذف گویه‌ای دیگر نبود. آزمون KMO در این ماتریس ۰/۶۹ می‌باشد، لذا نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه نمی‌باشد. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معنی‌داری را نشان می‌دهد.

جدول (۱): ماتریس همبستگی گویه‌های مختلف متغیر محرومیت نسبی در تحلیل عاملی

گویه‌ها	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7
X1	۱						
X2	-۰/۱۱	۱					
X3	-۰/۲۲	-۰/۲۲	۱				
X4	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۶	۱			
X5	-۰/۳۱	-۰/۲۲	-۰/۳۶	-۰/۱۷	۱		
X6	-۰/۲۶	-۰/۱۴	-۰/۴۵	-۰/۳۸	-۰/۲۳	۱	
X7	-۰/۳۶	-۰/۲۵	-۰/۱۰	-۰/۶۱	-۰/۳۹	-۰/۶۹	۱

KMO=۰/۶۹ B.T=۲۸۷/۱۹۸ Sig=۰/۰۰۰

یافته‌ها

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۲۵۸ نفر از استادان دانشگاه پیام نور کرمانشاه تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها استخراج و آن‌گاه به کامپیوتر انتقال یافتند و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS21 و Amos21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها متناسب با سطوح سنجش متغیرها و طیف‌ها انجام گرفت. همچنین برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از تحلیل واریانس و آزمون F و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

الف) یافته‌های توصیفی؛ نتایج نشان می‌دهد که از ۲۵۸ نفر جامعه آماری لحاظ شده ۱۹۳ نفر آن‌ها تحصیلات کارشناسی ارشد با (درصد فراوانی ۷۴/۸)، ۳۴ نفر آن‌ها تحصیلات دانشجوی دکتری با

(درصد فراوانی ۱۳/۲) و ۳۱ نفر فوق دارای مدرک دکتری با (درصد فراوانی ۱۲/۰) می‌باشند. جدول شماره ۲ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان برای متغیرهای در سطح سنجش فاصله‌ای و نسبی پژوهش می‌باشد. یکی از متغیرهای مورد مطالعه محرومیت نسبی است که میانگین واقعی نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۷/۱۷۲ است که این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۱) در حد بالایی است و بیانگر این مطلب است که میزان محرومیت نسبی استادان در حد بالا می‌باشد. شاخص دیگر میزان اقتدار است که میانگین واقعی آن برای استادان برابر با ۴۰/۵۸ است که این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۴۲) در حد پایینی می‌باشد. نتایج حاصل از ضریب آلفا نشان می‌دهد که همه متغیرها دارای میزان آلفای بالایی بوده‌اند.

جدول (۲): توزیع نسبی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

متغیر	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین		انحراف معیار	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
			واقعی	نظری			
محرومیت نسبی	۱۰	۴۵	۲۷/۱۷۲	۲۱	۶/۲۱۷	۷	۰/۸۱
میزان اقتدار	۲۹	۳۷	۴۰/۵۸	۴۲	۷/۴۴	۱۴	۰/۷۷

نوع اقتدار استادان دانشگاه پیام نور بیشتر از کدام نوع است؟ جدول شماره ۳ میزان وضعیت نوع اقتدار در میان پاسخگویان را نشان می‌دهد. در این تحقیق متغیر نوع اقتدار براساس نظریه ماکس وبر در سه بعد اقتدار سنتی، اقتدار فرهمندی و اقتدار عقلانی که هر کدام در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجیده شده‌اند و به صورت سه متغیر فاصله‌ای مذکور بررسی شده است. میانگین بعد اقتدار سنتی برابر با ۱۳/۵۷، بعد اقتدار فرهمندی ۱۳/۵۴ و بعد اقتدار عقلانی ۱۸/۷۲ می‌باشد. این ابعاد در مقایسه با میانگین‌های مورد انتظار برای ابعاد فوق به ترتیب اقتدار سنتی ۱۵، اقتدار فرهمندی ۱۲، اقتدار عقلانی ۱۵ می‌باشد. این نتایج نشان‌دهنده این واقعیت است که میانگین‌های مشاهده شده برای اقتدار سنتی کمتر از میانگین‌های مورد انتظار است. نتیجه نشان می‌دهد که میزان اقتدار سنتی در بین استادان کمتر می‌باشد. برای بعد فرهمندی میانگین‌های مشاهده شده بیشتر از مورد انتظار است. نتیجه نشان می‌دهد که اقتدار فرهمندی استادان در دانشگاه بیشتر است و برای بعد اقتدار عقلانی میانگین مشاهده شده بیش‌تر از میانگین مورد انتظار است.

جدول (۳): میزان وضعیت سبک فرزندپروری در میان پاسخگویان

نام متغیر	تعداد گویه	میانگین		انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
		واقعی	مورد انتظار			
اقتدار سنتی	۵	۱۳/۵۷	۱۵	۳/۰۸۵	۶	۲۴
اقتدار فرهمندی	۴	۱۳/۵۴	۱۲	۲/۱۲۸	۷	۱۹
اقتدار عقلانی	۵	۱۸/۷۲	۱۵	۲/۵۶	۱۲	۲۵

بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه

جدول شماره ۴ نتایج حاصل از آزمون میانگین رتبه‌ای فریدمن را برای ابعاد مختلف متغیر میزان اقتدار نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین رتبه‌ها در ابعاد مختلف اقتدار سنتی، اقتدار فرهنگی و اقتدار عقلانی با هم تفاوت دارند و لذا فرضیه H_0 یا فرضیه یکسانی رتبه‌ها رد می‌شود. با توجه به این که معناداری آزمون رتبه‌ای فریدمن از جمله آزمون‌های مبتنی بر کای اسکور می‌باشد لذا نتایج حاصل از آن براساس مقدار کای اسکور تفسیر می‌شود. مقدار کای دو در این آزمون برابر $113/468$ و درجه آزادی آن برابر ۳ می‌باشد. این نتیجه در سطح حداقل ۹۵ درصد این معناداری را تأیید می‌کند. میانگین رتبه بعد اقتدار عقلانی برابر $2/89$ ، میانگین رتبه بعد اقتدار سنتی برابر $1/58$ و میانگین رتبه اقتدار فرهنگی برابر $1/53$ است.

جدول (۴): آزمون مقایسه میانگین رتبه ابعاد مختلف متغیر میزان اقتدار

میزان اقتدار	میانگین رتبه	آزمون کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری
اقتدار عقلانی	۲/۸۹	۳۱۸/۶۸۵	۲	۰/۰۰۰
اقتدار سنتی	۱/۵۸			
اقتدار فرهنگی	۱/۵۳			

ب) یافته‌های استنباطی؛

فرضیه ۱: بین محرومیت نسبی و میزان اقتدار استادان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵ رابطه بین محرومیت نسبی و میزان اقتدار استادان را نشان می‌دهد. با توجه به این که سطح سنجش دو متغیر مذکور فاصله‌ای - فاصله‌ای است، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان محرومیت نسبی و اقتدار استادان برابر $-0/301$ می‌باشد ($r = -0/301$). نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد، لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

جدول (۵): رابطه بین محرومیت نسبی و میزان اقتدار استادان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار همبستگی	Sig.
محرومیت نسبی	۲۷/۱۷۲	۶/۲۱۷	-/۳۰۱	۰/۰۰۰
اقتدار استادان	۵۰/۵۸	۷/۴۴		

فرضیه ۲: رشته تحصیلی بر میزان اقتدار استادان تأثیر معناداری دارد.

نتایج حاصل از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که میانگین میزان اقتدار استادان در بین رشته‌های تحصیلی علوم انسانی، ریاضی - فیزیک، مهندسی کشاورزی و علوم پایه به ترتیب برابر با $28/28$ ، $32/30$ و $36/27$ می‌باشد که بین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون f (تحلیل واریانس یک‌طرفه) در سطح حداقل ۹۵٪ معنادار بوده و فرضیه مذکور تأیید می‌باشد.

جدول (۶): آزمون میانگین میزان اقتدار استادان در بین رشته‌های تحصیلی

Sig.	F	انحراف معیار	میانگین	رشته تحصیلی
		۴/۵۷	۲۵/۹۳	علوم انسانی
۰/۰۲۶	۳/۴۵	۳/۲۶	۲۸/۲۸	ریاضی - فیزیک
		۵/۵۰	۳۲/۳۰	مهندسی کشاورزی
		۵/۲۵	۳۶/۲۷	علوم پایه

فرضیه ۳: بین میزان درآمد ماهیانه و میزان اقتدار استادان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷ رابطه بین میزان درآمد ماهیانه و میزان اقتدار استادان را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان درآمد ماهیانه و اقتدار استادان برابر $r = -0/153$ می‌باشد ($r = -0/153$). نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر مذکور با توجه به سطح معناداری ($\alpha = 0/014$) رابطه معناداری وجود دارد، لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

جدول (۷): رابطه بین میزان درآمد ماهیانه و میزان اقتدار استادان

Sig.	مقدار همبستگی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۰/۰۱۴	-۰/۱۵۳	۱/۶۸	۳/۹۲	میزان درآمد ماهیانه
		۷/۵۶	۲۵/۴۰	اقتدار استادان

فرضیه ۴: مدرک تحصیلی استادان بر میزان اقتدار آن‌ها تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره ۸ آزمون تأثیر مدرک تحصیلی استادان بر میزان اقتدار آن‌ها را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که میانگین میزان اقتدار استادان با مدرک کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتری و دکتری به ترتیب برابر $48/552$ ، $48/852$ و $51/215$ می‌باشد که این تفاوت مشاهده شده بین آن‌ها براساس آزمون t گروه‌های مستقل در سطح حداقل 95% معناداری می‌باشد لذا فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

جدول شماره ۸ آزمون تأثیر مدرک تحصیلی استادان بر میزان اقتدار آن‌ها

Sig.	F	انحراف معیار	میانگین	مدرک تحصیلی
۰/۰۵	۲/۸۰۷	۷/۳۷	۴۸/۵۵۲	کارشناسی ارشد
		۷/۷۵	۴۸/۸۵۲	دانشجوی دکتری
		۷/۰۶	۵۱/۲۱۵	دکتری

آزمون‌های ناپارامتری؛ در پژوهش حاضر جهت آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش با استفاده از آزمون‌های ناپارامتری، ابتدا نمره اصلی متغیر را به صورت اسمی و ترتیبی کدگذاری مجدد کردیم و سپس با استفاده از آزمون‌های کای اسکور، d سامرز، Tub و Tuc کندانال نیز تست کردیم. جدول ۸ محاسبه آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین محرومیت نسبی و میزان اقتدار استادان را نشان می‌دهد. داده‌های حاصل از جدول نشان می‌دهد که هر اندازه محرومیت نسبی در میان استادان بالاتر

بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه

رود، میزان اقتدار آن‌ها پایین می‌آید. این نتیجه براساس آزمون‌های ناپارامتری کای اسکوتر، d سامرز، Tub و Tuc کندال در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان قابل قبول است و می‌توان این نتیجه را به کل جامعه آماری تعمیم داد.

نتایج نشان می‌دهد که میزان کای اسکوتر بین محرومیت نسبی و اقتدار استادان پاسخگویان برابر ۲۷/۱۶۵- می‌باشد و این مقدار در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. لذا می‌توان براساس این آزمون نتیجه را به کل جامعه آماری تعمیم داد. هم چنین مقدار d سامرز برابر ۰/۲۵۶- می‌باشد. قابل ذکر است که مقادیر Tub و Tuc کندال نیز به ترتیب در این جا برابر ۰/۲۵۶- و ۰/۱۸۰- می‌باشد که معنادار می‌باشد.

جدول (۹): محاسبه آزمون‌های ناپارامتری برای پیوستگی بین محرومیت نسبی و میزان اقتدار

محرومیت نسبی				گروه‌ها	
جمع کل	سطح پایین	سطح میانی	بالا	سطح بالا	میزان اقتدار استادان
۴۶	۱	۳۵	۲۰	سطح بالا	
۱۷۸	۱۸	۱۳۴	۲۶	سطح میانی	
۳۴	۸	۲۱	۵	سطح پایین	
۲۵۸	۲۷	۱۸۰	۵۱	جمع کل	
				Sig = ۰/۰۰۰	hi_Square = ۲۷/۱۶۵
				Sig = ۰/۰۰۰	Somers' d = ۰/۲۵۶
				Sig = ۰/۰۰۰	Kendall's tau_b = ۰/۲۵۶
				Sig = ۰/۰۰۰	Kendall's tau_c = ۰/۱۸۰

رگرسیون چندگانه؛ در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته دارند، وارد معادله می‌شوند. جدول ۱۰ عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی میزان اقتدار استادان را نشان می‌دهد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که سه متغیر وارد معادله نهایی رگرسیونی شده است. اولین متغیر میزان محرومیت نسبی است. نتایج نشان می‌دهد که بین این متغیر و میزان اقتدار استادان همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر (T= ۲/۲۸۷) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۲۳) می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/37$ به دست آمد. در مرحله دوم رشته تحصیلی وارد معادله گردید، مقدار T برای این متغیر برابر (T=۲/۰۷۸) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۴) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/38$ به دست آمد. در گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی مدرک تحصیلی مقدار T برابر (T= ۲/۰۰۸) و ضریب معنی‌داری (Sig.T= ۰/۰۴۹) می‌باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2= 0/41$ به دست آمد. این سه متغیر روی هم رفته توانستند مقدار ۰/۴۱ از تغییرات درونی متغیر میزان اقتدار استادان

1- Stepwise

را تبیین کنند. کمیت F معنادار است این مطلب گویای این است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر است. پس باید تک تک متغیرها را با استفاده از T آزمون نمود. معنی دار بودن F به این معنی است که به طور حتم بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی مستقیمی وجود دارد. طبیعی است که احتمال اینکه کمیت F به این بزرگی به طور تصادفی به دست آید فوق‌العاده کم است یعنی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نمی‌تواند تصادفی پیش آمده باشد. مقدار Constant همان مقدار a در معادله رگرسیون است که برابر ۲۱/۴۲۲ می‌باشد. این مقدار در معادله رگرسیون به مقدار ثابت معروف است.

جدول (۱۰): عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی میزان اقتدار استادان

مرحله	متغیر	B	Beta	مقدار T	معناداری	R	R ²
۱	محرومیت نسبی	-۰/۱۵۳	-۰/۱۲۷	-۲/۲۸۷	۰/۰۲۳	۰/۵۵	۰/۳۷
۲	رشته تحصیلی	۱/۲۷	۰/۱۸	۲/۰۷۸	۰/۰۴	۰/۵۶	۰/۳۸
۳	مدرک تحصیلی	۲/۳۴	۰/۱۱	۲/۰۰۸	۰/۰۴۹	۰/۵۹	۰/۴۱
Constant=		۲۱/۴۲۲	F=۳۰/۵۲۰	Sig=۰/۰۰۰			
Durbin_watson:		۱/۷۲۰	Method:		stepwise		

بر این اساس معادله رگرسیون چند گانه در پژوهش حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y \cong a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n + e_i$$

میزان اقتدار = ۰/۱۲۷ (میزان محرومیت نسبی) + ۰/۱۸ (رشته تحصیلی) + ۰/۱۱ (مدرک تحصیلی) + e_i

آزمون مدل اندازه‌گیری پژوهش؛ برای برآورد روایی ابزار پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌های آماری برای تدوین مدل عاملی در این پژوهش از وسیله نرم‌افزارهای SPSS 21 و Amos 21 گردید. تحلیل داده‌ها نشان داد که می‌توان اقتدار استادان را با استفاده از یک مدل عاملی مرتبه دوم سنجش کرد. برای تدوین مدل اندازه‌گیری اقتدار استادان، ابتدا شاخص‌های متعددی (اقتدار سنتی با استفاده از ۵ گویه، اقتدار کاریزماتیک با استفاده از ۴ گویه و اقتدار عقلانی با استفاده از ۵ گویه) انتخاب شدند. سپس با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 21 و Amos 21 بارهای عاملی هر یک از معرف‌ها، برآورد و تفاوت معنادار آن‌ها با صفر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که علاوه بر هماهنگی درونی آیتم‌های تعریف شده برای هر یک از مقیاس‌های فرعی، روایی واگرا نیز برقرار است. نتایج نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد و نتایج محاسبات انجام شده را می‌توان در زیر نشان می‌دهند:

در پژوهش حاضر مقدار کای اسکوئر غیرمعنادار CMIN برابر با ۲۱۱/۱۴۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتیجه مطلوبی را نشان نمی‌دهد. اما از آنجایی که در مطالعات با حجم نمونه بالا، مقدار خی دو تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد و قابل اطمینان نیست، لذا از دیگر شاخص‌های نیکویی برازش استفاده می‌شود.

بررسی عوامل مؤثر بر اقتدار استادان دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه

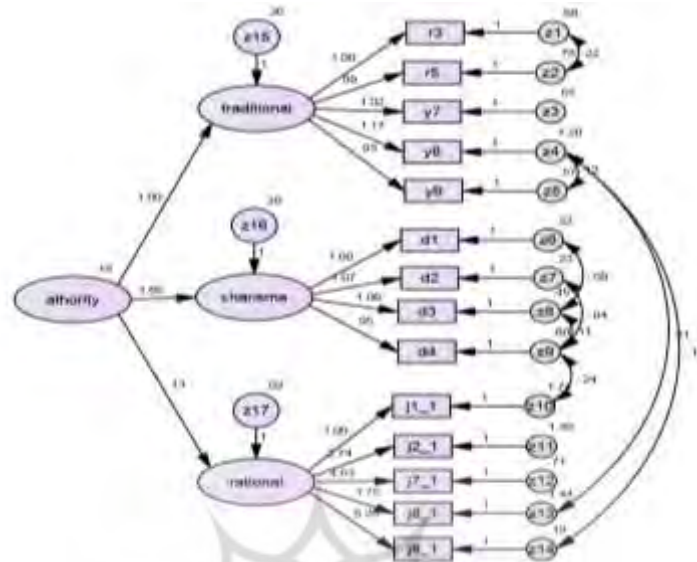
شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده یا RMSEA نشان می‌دهد که آیا مدل تدوین شده را می‌توان پذیرفت یا نه؟ این شاخص از جمله شاخص‌های بدی برازش است که مقدار آن بین صفر تا یک در نوسان است. لذا هر اندازه مقدار آن کوچکتر باشد، مدل تدوین شده قابل قبول‌تر است. در این پژوهش مقدار این شاخص برابر ۰/۰۷۵ که نزدیک به صفر بوده و برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص RMR یا ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها، هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد، دلالت بر برازش بهتر مدل پژوهش دارد. در مدل مذکور مقدار آن برابر ۰/۰۹۸ است. که نزدیک به صفر است و برازندگی مدل را تأیید می‌کند. نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی CMIN/DF برای قضاوت در مورد مدل تدوین شده است. این مقدار در مدل برابر ۳/۱۹۹ می‌باشد که در مجموع وضعیت بهبودی را برای مدل نشان می‌دهد. از جمله دیگر شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش شاخص‌های مقتصد است. شاخص برازش تطبیقی CFI برابر ۰/۹۲۶ است که نتایج مطلوبی را نشان می‌دهد. برای شاخص برازش شده تطبیقی مقتصد PCFI مقادیر ۰/۵۰ و بالاتر قابل قبول است. نتایج حاصل مقادیر این شاخص را در برابر ۰/۶۷۱ نشان می‌دهد.

شاخص‌های تطبیقی و مقتصد محاسبه شده برای ارزیابی کلیت مدل نشان می‌دهند که می‌توان در مجموع، داده‌های گردآوری شده را حمایت‌کننده مدل نظری تدوین شده تلقی کرد، هر چند افزودن برخی از وزن‌های رگرسیونی و برقراری رابطه یک‌سویه بین متغیرهای مشاهده شده می‌تواند به کاهش کای اسکوتر منجر شود اما چنین نکته‌ای در این حد بیشتر نه به لحاظ روشی و نه به لحاظ نظری دارای توجیه نیست و قابل قبول نمی‌باشد.

جدول (۱۱): شاخص‌های کلی برازش برای مدل اقتدار استادان بر اساس نظریه وبر

شاخص‌ها	نام شاخص	معادل فارسی شاخص	مدل	
			مدل اولیه	مدل دوم
مطلق	Square_Chi	مقدار کای اسکوتر	۳۲۷/۷۵۹	۲۵۳/۶۸۱
	value_P	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نسبی	RMR	ریشه میانگین مربعات باقیمانده	۰/۱۰۸	۰/۱۰۷
	RMSEA	ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳
	CMIN/DF	نسبت کای دو به درجه آزادی	۴/۴۲۹	۳/۶۷۷
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۸۲۰	۰/۹۰۵
مقتصد	PCFI	برازش شده تطبیقی مقتصد	۰/۷۰۷	۰/۶۸۶
		مدل سوم		۲۱۱/۱۴۳

در مورد مدل اندازه‌گیری اول این که مثبت بودن کلیه وزن‌های رگرسیونی یا بارهای عاملی (پارامترهای لامبدای اکس) نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول را از مبانی نظری وبر را به نمایش می‌گذارد. دوم این که عواملی چون اقتدار کاریزمایی با دارا بودن وزن رگرسیونی ۱/۶۵ همبستگی بیشتر بین این عامل با اقتدار استادان را نشان می‌دهد.



نمودار (۱): مدل عاملی مرتبه دوم سه عاملی متغیر وابسته پژوهش (اقتدار اجتماعی استادان)

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج می توان گفت هر اندازه استادان دانشگاه از محرومیت نسبی بیش تری برخوردار باشند، به همان اندازه میزان اقتدار در میان آن ها کاهش می یابد. با توجه به این که محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته ها) و توانایی های ارزشی (داشته های) افراد است. اگر انتظارات استادان دانشگاه در ابعاد مختلف به خصوص اقتصادی و یا سیاسی برآورده نشود، دچار سرخوردگی شده و در نتیجه احساس یأس و ناامیدی کرده و به همان اندازه اعتبار علمی و وجهه اجتماعی آنان کاهش می یابد.

از دیگر نتایج این پژوهش میزان تحصیلات است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات استادان دانشگاه، میزان اقتدار و وجهه اجتماعی آن ها نیز افزایش می یابد. به تعبیر بورديو (۱۹۸۴) تحصیلات دانشگاهی جایگاه افراد را در محیط دانشگاهی مشخص می کند. در این راستا وی معتقد است که ساختار آموزش عالی و سلسله مراتب تحصیلی، زمینه قدرت را در دانشگاه مشخص می کند به نحوی که در آن افراد دارای تحصیلات اجتماعی بالاتر و استادان جاقفاده تر، از نظر اقتدار از استادان تازه وارد وجهه بالاتری دارند.

هم چنین نتایج پژوهش نشان می دهد که اقتدار با میزان حقوق ماهیانه استادان، رابطه معکوس دارد به طوری که هر اندازه میزان درآمد ماهیانه استاد زیادتر باشد، میزان اقتدار وی در میان جامعه دانشگاهی پایین تر است. البته این نتیجه شاید قابل تعمیم به کل جامعه آماری نباشد، چرا که از دیدگاه رفتارگرایی و هومنز، افزایش امکانات اقتصادی منجر به افزایش قدرت می شود.

منابع

- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد حاضری و دیگران، تهران: انتشارات سفیر.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۶). جایگاه استاد در جامعه ایران اسلامی ۱۴۰۰. ماهنامه پیوند، شماره ۲۱۱، صص. ۵-۱۴.
- جی. گرپ، ادوارد. (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی، ترجمه‌ی محمد سیاهپوش و احمد غروی‌زاد، تهران، نشر معاصر.
- سنت، ریچارد. (۱۳۷۸). اقتدار، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، مؤسسه نشر و پژوهش شیراز.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کدیور، پروین. (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران: نشر نی.
- گار، تدرابرت. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Lin, N. (1974). Foundation of Social Research, New York: MC Graw. Hill.
- <http://www.mehditirandaz.blogfa.com/post/19>.
- Doyle, Michael W. (1986). Liberalism and World Politics. The American Political, Dec Science Review. Vol. 80, No.4, pp. 1151-1161.
- Jacobson, Stanly A, stiles, Richard L. (1985). The effectiveness of the physical education specialist. ERIC. No, Edo, 78068. Journal research quarterly for exercise and sport. Vol. 14, No.3. pp 120-127.